وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
مي کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره هشتم دوشنبه ۹ جدی ۱۳۸۱ - ۲۷ شوال المکرم ۱۴۲۳ - ۳۰ December ۲۰۰۲

انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان

درآمدی برظرفیت های داخلی

ص۷

سرمقاله

۶ جدی، فاجعه ها و حماسه ها

ص۲

استاد درمصاحبه یی اختصاصی با مجاهد:

به خاطر حفظ تاریخ وفرهنگ وهویت ملی افغانستان دست به دست هم دهیم



- **درساختار نظام ملی باید تصامیم ملی مطرح باشد**
- **مداخله خارجی درامور کشورما همیشه بحران آفرین بوده است**
- **کابینه طوری ساخته شد که درمورد قدرت کاری وشخصیت های آن حرف ها ودیدگاه هایی وجود دارد**

ص۳

بزرگداشت از سالروز انتقال قدرت

ما نباید نسبت به وضعیت موجود بی تفاوتی اختیار کنیم

به مناسبت سالروز انتقال قدرت، محفلی در تالار وزارت امور داخله تدویر یافت که از همه لحاظ و به صورت مشخص بنابر عطف توجه جدی به نقش رهبری جهاد و مقاومت افغانستان در این استحاله بس مهم در کشور، قابل دقت و توجه می باشد.

استحاله قدرت در افغانستان با چنان آرامش و مدیریت سالم همراه بود که توجه خاص محافل سیاسی را به سوی خود جلب کرد.

عده یی به این گمان بود ند که چنین تحولی با مقاومت روبرو خواهد شد. این عده باور نمی کردند، استاد ربانی رهبر جهاد مردم افغانستان که در رأس دولت قرار داشت خود را با چنان ساد گی انسانی و با چنان درایت معلمانه همسو و همگام سازد، همسو و همگام با حرکتی که هرچند پاره یی ملاحظات همه بران وارد بود اما به دلیل مفید بودن در حیات سیاسی واجتماعی مردم ما و به دلیل این که به جنگ نقطهٔ پایان می گذاشت و نوید بازسازی و اعمار مجدد افغانستان ویران شده را به ارمغان می آورد، قابل تائید و حمایت است.

در این محفل بزرگ استاد طی سخنرانی یی که ایراد فرمودند، به مسایل اساسی جاری در کشور اشارات و تاکیداتی داشتند که جالب و در خود توجه و تعمق است.

استاد در قسمتی از سخنانشان بعد از آنکه مرحلهٔ موجود را مرحله وابسته به گذشته و جریان ادامه یابنده آن دانستند و فرمودند: اسلام دین اعتدال است و با تروریزم و انسان کشی مخالف است. و تاکید کردند که نباید دین اسلام را دگران بازیچهٔ اغراض و مقاصد تروریستی خویش قرار بدهند.

در قسمتی دگر از صحبت معلمانهٔ استاد آمده است:

عظمت تمدن مغرب زمین نه به دلیل گسترش بی بند و باری های اخلاقی یا نه بدلیل رشد هیچی گری و ژیگلومابی ص۲







پاله دوګیان:

و به ګورو چې امریکا دډیموکراسي په پرمختګ کې څه کړي دي

د امریکې د بهرنیو چارو وزارت مرستیاله پاله دوګیان په واشنګټن کې خبریالانو ته ویلي دي چې په نږدې راتلونکي ورځو کې افغانستان ته په سفر روانه ده. ترڅو وګوري چې تېرو اوږدو کلونو کې تولني او امریکې د ډیموکراسي د پرمختګ په برخه کې څه کړي دي.

دي څرګنده کړه چې زه دهغه شوري رئیسه یم چې د امریکې - افغان د ښځو دشوري په نوم یادیږي او د افغانستان د ښځو دچارو وزیره او دبهرنیو چارو وزیر ددغه شوري غړي دي.

دیو پوښتنې په ځواب کې چې دسفر موخه موخه ده، دي وویل: مونږ دري واړه به دشوري له نورو غړیو سره چې دغیر حکومتي موسسو استازي دي کتنې او قصدمو دادي چې غیر حکومتي هلې ځلې څنګه دافغانستان په تیره بیا دافغاني میرمنو او ښځو په ګټه وکارول شي.

توره ورځ چې په سربښدنو سبا شوه

طارق اقبال

د ملتونو په تاریخ کې ځینې ورځې ډیرې تورې وي، چې زموږ د هېواد په معاصر تاریخ کې ، دا توره ورځ د جدي شپږمه وه.

په دې ورځ د "سوسیال استکبار" یرغلګر پوځ په بې شرمه توګه د میړنیو پر تاتوبې یرغل وکړ، زموږ ملي هویت تر ګواښ لاندې شو او افغانستان په هغه زمانه کې د پخواني شوروي اتحاد په اقمارو کې حساب شو.

ملت د پردیو پر وړاندې ودرید او بې مثله قرباني یې ورکړي ، چې په نتیجه کې د نړۍ رایجې سیاسي او نظامي معادلې دړې وړې شوې د شوروي امپراطوري له منځه ۷ مخ

آگاهی

متن کامل سخنرانی استاد به مناسبت سالروز انتقال قدرت را که مسائل ونکته هایی پس مهم را در بر دارد خدمت خوانندگان گرامی در شماره آینده تقدیم خواهیم کرد. اداره



برگشت آخرین خودرونظامی شوروی از افغانستان پس از شکست

ویژه ۶ جدی

درگیری شوروی در افغانستان

ص۵



به کار گیری نیروهای دیسانت دربرابر مجاهدین

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشید
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

۶ جدی، فاجعه ها و حماسه ها

کشور بزرگ کمونیستی اتحاد شوروی پیشین جهت حفظ حکومت دست نشانده و تحمیل ایدئولوژی و فرهنگ خودبرافغانستان به این کشوردرششم جدی ۱۳۵۸ لشکرکشید.

مردم مسلمان افغانستان که از پیش در برابر رژیم کمونیستی دست نشاندهٔ شوروی به پا خاسته بودند ، نه تنها مرعوب ساز برگ ارتش سرخ نگردیدند که باخشم فزون تر به رستاخیز خویشتن ادامه دادند.

ارتش سرخ پس از ده سال کشتار و ویرانی در کشور ما در برابر جهاد و فداکاری مردم به زانو نشست. این شکست افتضاح آمیز، فروپاشی کشور شوراها را در پی داشت و آزادی بسیاری از کشور و ملتهای در بند این غول را در آسیا و اروپا .

جهان از دغدغهٔ جنگ سردو از کابوس کمونیسم رهایی یافت ولی ملتی که قربانیهایش عاملی اساسی در این دگرگونیها بود نصیبی نیک از این تحولات نیافت.

با پیروزی مجاهدان در سال ۱۳۷۱ ملت ما در دام دیگر گونه یی از توطئه های منطقه و جهان گرفتار آمد. باز برای دفاع از آزادی و استقلال قربانی های بزرگ را در مبارزه بر ضد دستگاه سیاه طالبان متحمل شد، و سر انجام به لطف خداوند طومار شوم آنان را درهم پیچید.

این کارهای بزرگ و افتخار آمیز را ملت ما زیر لوای نهضت اسلامی انجام داده است که تاریخ افغانستان و جهان آن را هرگز فراموش نخواد کرد.

آشکار ترین درس و پیام جهاد و مبارزده این سالیان دشوار این است که می توان این ملت را کشت و نابود کرد اما نمی توان آنان را غلام و برده ساخت و فرهنگ و آیین و ارزشهای شان را لگدمال کرد.

اما این درگیری و مبارزه مسلحانه در بیشتر از دودهه ویرانیها یی کلان را در پهلو های گونه گونه زندگی بر مردم ما وارد آورده است که نمی شود به آسانی از آن به در آمد.

امروز پس از طی این راه دراز ودشوار به مرحله یی تازه از حیات خود رسیده ایم که هوشیاری و تعقل و تلاش بیشتر ازما می طلبد. جهان نیز باید مسوولیتش را در برابر فداکاری و نبرد ملت افغانستان برای انسانیت، ادا کند و در بازسازی ویرانیهای این جنگ در افغانستان صمیمانه یاری رساند. باید این یاری جهانی ویژ گیهای تاریخی و فرهنگی و تمدنی ما را ملحوظ دارد تا بحرانی دیگر در سیمایی دیگر نیافریند.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان

پیروزی ها وشکست ها

به قلم فرامرز

بعد از سقوط دستگاه وحشت آفرین طالبانی و بعد از آنکه ادارهٔ موقت مستقر گردید ، تا حال که دولت انتقالی اسلامی زمام امور را بر دست دارد، تحولات بزرگی در کشور به عمل آمده است.

بزرگترین دست آورد در این زمینه استقرار امنیت نسبی در سراسر کشور است و در سایه آن جریان کار و زندگی روزانهٔ مردم رفته رفته سیر عادی خود را دنبال می کند.

علاوه برآن نشانه ها و علایم اعمار و باز سازی که عمدتاً بدست خود مردم جریان دارد، کاملاً محسوس است.

و نیز برنامه های عمرانی دولت ، هر چند و سعت چندانی ندارد و بیشتر با تعلل براه می افتد، تا حدودی چهرهٔ جنگ زدهٔ کشور را عوض می کند و این می رساند که امنیت و تأمین شرایط صلح امیز زندگی بزرگترین دست آورد در وضعیت جاری می تواند به حساب آید؛ اما نگفته پیداست که امنیت کامل و سراسری در کشور هنوز بر قرارنیست:

جنگ ها پایان نیافته و آشوب هایی ، اینجا و آنجا صورت می پذیرد. در برخی مناطق مانند شیندند هرات و خوست به گونه مثال هنوز مزاحمت جدی در مسیر تحقق امن کامل در کشور وجود دارد. حاکمیت دولتی در این زمینه ها عملاً ناکام بوده است. باید دلایل و انگیزه های آن شناسایی گردد و اقدامات اصولی و همه جانبه یی برای ختم یغاوت به عمل اورده شود. در عرصهٔ اقتصادی دولت تا کنون نتواسته است فعالیت NGO هارا برا ساس برنامه و سیاست خود تحت کنترول درآورد. بنابرین قسمت اعظم امکانات مالی بنام افغانستان بازهم به کیسه سازمان ها ومؤسسات غیر دولتی سرازیر می شود.

این در حالی است که مقامات مسوول هیچ گونه بهبودی را در وضعیت رقت بار زندگی مامورین دولت نتوانسته اند وارد کنند. هنوز از فعالیت ثمر بخش مؤسسات بزرگ تولیدی و فابریکه های غیر فعال در سراسر کشور، علایم جدی و آشکار عملی به ملاحظه نمی رسید.

باز سازی یا اعمار مجدد افغانستان به گونهٔ محسوس و چشم گیر با کندی وعدم کفایت لازم دست و گریبان است وچنانکه بایسته و ضرورت است، رنگ ورونق ندارد وهنوز در هاله یی از شعار ها وادعا ها، باقی مانده است؛ به گونه مثال: هم اکنون خدمات اجتماعی ، مانند : تامین نیروی برق ، در یکی از بد ترین نمود های ممکن قراردارد. مشکل سر پناه همچنان گریبان مردم بی بضاعت را می فشارد، در حالی که دولت موجود نه تنها این که برنامه های راکد مانده خانه سازی قبلی را فعال نساخته که به هیچ کار جدیدی نیزدرزمینه نپرداخته است. دراین عرصه نیز بازهم ابتکار به دست موسسات و ادارات غیر دولتی می باشد . کنترول نظام دولتی در بازار و جریان صعود قیمت ها به صورت موثر برقرار نیست . کنترل لازم بر گمرک و روند ورودامووال به داخل تقریباً معادل هیچ است، که اگر روحیه رقابتی موجود در نفس بازار محسوس نباشد، قیمت ها سر به آسمان خواهد گذاشت و چندین برابر بدتر ازاین رشد خواهد یافت.

علایم و نشانه هایی از فساد اداری در دستگاه دولتی ، واعمال نفوذ های خلاف قانون به پیمانهٔ روز افزون جریان دارد وسطح باز پرس نیز متاسفانه در ناز لترین حد ممکن قرار دارد وعجب تر این که برنامه مدونی برای مقابله با این وضعیت نیز وجود ندارد.

اینها دلایل واضح بر چگونگی عملکرد نا توان دولت انتقالی بوده آینده را هم برای جامعه و هم برای دولت متاسفانه تیره وغم انگیز مینماید.

عده یی شاید با این تصور دلخوش کنند که دولت انتقالی اسلامی افغانستان مورد حمایت جدی جامعهٔ جهانی قرار دارد، بنابران مسایل و دشواری ها بدون کمترین مزاحمتی مرفوعخواهد شد.

اما آیا حمایت مشروط سیاسی _ نظامی متحدین دولت، خود به تنهایی کافی خواهد بود تا مارا به سر منزل مقصود برساند؟

به نظر ساده لوحانه می آید اگر ما چنین تصوری و چنین اندیشه یی داشته باشیم . مسوولان و دولتمردان ما باید بدانند که اگر خود با تمام هم وغم خویش وارد صحنه نباشند و اگر خود پابر رکاب عمل نباشند و آنهم عمل بر مبنای قانون و مطابق منافع والای کشور ومردم را خود ضمانت نه نمایند، نه دشواری ها رخت سفر خواهند بست و نه موانع موجود به ساده گی بر طرف خواهند شد.

در این صورت ما بازهم برای مدت طولانی با انواع مصائب و نا بسامانی ها دست و گریبان خواهیم بود و دامان وطن نه از چنگال فقر رهایی خواد یافت و نه سیمای مدهش بجا مانده از جنگ به این زودی عوض خواهد شد.

پس به این مسایل و موارد دلتمردان ما عطف توجه داشته باشند:

-انجام کار در بیشترین موارد ممکن ، بدست اهل ان سپرده شود و این هدف با رعایت اصل ها و اساسات اداره و مدیریت تحقق یابد.

-سیاست وعملکرد دولت در سراسر کشور باید، شفاف، یکسان و دوراندیشانه یا به اصطلاح معروف استراتیژیک باشد، نه این که در شرق چنین رویکردی و در غرب چنان برخوردی.

-برضد فساد اداری ، مانند اختلاس ، رشوه وسؤ استفاده های سیاسی ، مادی یا اداری مبارزه صورت گرفته، متخلف باید به مجازات برسد؛ حتا اگر مجرم ، صاحب صلاحیت بالا هم بوده باشد.

-وزارت خانه ها و موسسات مهم اقتصادی، مانند بانک ها ، شرکت ها و موسسات تولیدی باید مکلف ساخته شوند، گزارش کارکرد خودرا به صورت متناوب ، به گونه مثال : طی هر ربع سال به سمع ملت ومسسؤولان بر سانند؛ آنگونه که مردم در یک فضای باز وآزاد بتوانند قضاوت کنند.

-دولت باید هر چه عاجلتر به رفع مشکل اقتصادی کارمندان خود اقدام کند، در غیر این صورت با مشکل روز افزون فساد مالی به طور دایم دست و گریبان خواهد بود

-در عرصه های مختلف بر جریان عمل و فعالیت روزانهٔ وزارت خانه ها شورا های مشخص کار شناسان باید نظارت دایمی داشته باشند؛ به گونه مثال : شورای کارشناسان اقتصادی در امور بانک ها و تجارت ، شورای امور فرهنگی در عرصه مسایل مربوط، فرهنگ و ادب و شورای امور قضایی، حقوقی وسیاسی ، همچنان در عرصه های مربوط ، تا به این وسیله سطح باز پرس بالا برده شود و از سؤ استفاده واعمال اغراض و مقاصد فردی در امور روزانهٔ دولت جلوگیری گردد.

-تا انجا که ممکن و مقدور است؛ به گونه مثال: در شهر داری ها و مقامهای ولایات سیستم انتخاب جای انتصاب را بگیرد.

-چه مشکلی پیش خواهد آمد، در صورتی که این شهرداریها ومقامهای ولایتی ؟انتخابی باشند !؟

حد اقل با رعایت وتحقق موارد فوق خواهیم دید، مسایل و دشواری ها چگونه می توانند راه حل معقول خود را بیابند و سیمای افغانستان موجود در آیندهٔ نه چندان دور عوض خواهد شد، آنچنانکه بقایای نا میمون بجا مانده از جنگ، فقر وعقب ماندگی به همت مردم بر طرف گردد.

ما نباید نسبت به وضعیت . . .

که به دلیل رشد علم و صنعت به دست آمده است.

ایشان نسبت به این اختلاف که میان پکول و نکتایی دامن زده می شود گفتند: چپن آقای کرزی باعث افتخار پنداشته شد و جایز جایزه گردید پس نباید عده یی ندانسته به این جنگ میان پکول و نکتایی دامن بزنند.

استاد از عظمت مجاهدین و قربانی ها و ایثار آنان برای رهایی ملت با قدر دانی یاد آوری نموده گفتند:

حمایت از نظام کنونی وظیفهٔ هر فرد ماست و ما نباید نسبت به وضعیت موجود بی تفاوتی اختیار کنیم.

در این ضمن استاد اشاره یی هم به این موضوع نمودند که نقش مطبوعات غربی متأسفانه در برهه های خاص فرصت طلبانه بوده است.

ایشان گفتند: وقتی غرب طرفدار ما بود هرگوشه یی ذکر افتخارات مجاهدین و بیان مجاهدت آنان بر زبان بود.

اما زمانی که غرب نسبت به ما بی مهر شد و مسوولیت خود را در قبال مردم افغانستان به باد فراموشی سپرد، مطبوعات و رسانه های خبری غربی هم ما را محکوم نموده به صورت گسترده یی بر ضد ما به تبلیغات پرداختند.

در ختم صحبت های معلمانهٔ استاد که با توجه واستقبال خاص همراه بود، مارشال فهیم معاون اول ریاست دولت ووزیر دفاع دولت انتقالی اسلامی ضمن صحبت مختصر گفتند:

استاد برهان الدین ربانی قهرمان معرکه انتقال قدرت است. و از استاد به این مناسبت قدر شناسی شایانی نموده اضافه کردند:

آنهایی که فعالیت های تروریستی انجام می دهند و این جا و آنجا انفجار هایی انجام می دهند باید بدانند که از این کار سودی نصیب شان نخواهدشد. پس بهتر است بجای اینکار بیایند روش خود را ترک نموده با ما ودر کنار ما قرار بگیرند.

و نیز گفتند: عده یی حکومت های گروهی، ولایتی و منطقه وی را نباید مطابق منافع قومی یا گروهی خود دامن بزنند بلکه باید حکومت مرکزی را تقویه نموده به ایثارو از خود گذری بپردازند. سپس محترم قانونی طی صحبتی گفتند:

مجاهدین در دو آزمون بزرگ برای نجات کشور شان پیروز بدر آمدند. مجاهدین هم قهرمانان جنگ برضد کمونیزم هستند و هم قهرمانان جنگ بر ضد تروریزم جهانی، پس اکنون در دوران صلح و بازسازی نیز مجاهدین باید قهرمانان راه صلح و برادری باشند.

وزیر معارف در قسمتی از صحبت شان از استاد به عنوان رهبر جهاد افغانستان یاد آوری نموده از خدمات ایشان قدر دانی نمودند.

در پایان محفل آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، ضمن صحبت دلنشین و جالبی به مسایل و موارد مهم اشاره نموده گفتند: باوجود موفقیت ها، دولت طی دو مرحله کار خویش با مشکلاتی هم مواجه بوده است. گرچه در مبارزه با تفنگ سالاری و جنگ سالاری موفقیت چندانی نداشته ایم ولی پروسه جمع آوری سلاح که اخیراً آغاز شده دلگرم کننده می باشد.

در بخش دیگری از سخنانش گفت: دستبرد از عواید دولت و اخذ رشوه هنوز هم وجود دارد و شماری از ولایات عواید گمرکی و دولتی شان را به خزانه مرکز انتقال نداده اند. در پهلوی مبارزه علیه تروریزم، مبارزهٔ ما علیه قاچاق و استعمال مواد مخدر با جدیت دوام دارد.

به خاطر حفظ تاریخ وفرهنگ وهویت ملی افغانستان دست به دست هم دهیم

مجاهد در بارهٔ تحولات ونشیب وفراز های یک سال پس از انتقال قدرت از حکومت مجاهدین با محترم استاد ربانی رئیس پیشین دولت اسلامی افغانستان مصاحبه یی ویژه انجام داده است که اینک تقدیم خوانندگان می گردد

■ **نظرشما اجمالاً در باره، موافقت نامه بن چیست وپهلو های مثبت ومنفی این موافقت نامه کدام ها است؟**

● بسم الله الرحمن الرحیم

· اولاً من به این عقیده هستم که تعبیر موافقت نامه در بارهٔ نشست بن نمی تواند یک تحلیل حقوقی درست داشته باشد به هر حال این را گفته می توانیم که آن نشستی بود به دعوت ملل متحد و به اشتراک نمایندگانی از یک عده کشورها که خواستند علاقمندی خودرا درباره موضوع افغانستان نشان بدهند. موافقتنامه میان دو یا چند طرف درگیر به وجود می آید و در کنفرانس بن چنین نبود جهت هایی که در بن گرد هم آمده بودند باهم نزاع و کشمکش نداشتند. ریشه این نشست در کارها یی است که بسیار پیش آغاز شده بود. وقتی نماینده سر منشی ملل متحد آقای اخظر ابراهیمی وقبل از وی آقای وندرل تلاش داشتند یک موافقت نامه میان دو طرف، دولت اسلامی افغانستان یا جبهه متحد وطالبان به میان بیاید و یک حکومت با قاعدهٔ وسیع به وجود بیاید ،جنگ قطع شودو امنیت به وجود بیاید. اما بعد ازاین که حوادث یازده سپتامبر به میان آمد وبعد ازاین که جبهه متحد پس از شکست طالبان داخل کابل شد جبهه با خود فیصله کرده بودکه کار حکومت سازی از طریق یک گردهمآی ومشارکت ملی باید در داخل کشو ر صورت بگیرد گروه هایی مختلف و احزاب مختلف و شخصیت های سیاسی و حلقه های احتماعی وفرهنگی مختلف افغانستان چه کسانی که در داخل هستند وچه کسانی که در خارج هستندونمایند گان همه اقوام در آن حضور داشته باشند. فیصله یی با یک مشارکت ملی به وجود بیاید و یک حکومت مشارکت ملی ایجاد شود که در آنجا هیچ کس و هیچ طرفی خود را از حادثه دور فکر نکند و.از سرنوشت کشور خود را دور تصور نکند وهمه احساس بکنند که در مرحله یی جدید از حیات سیاسی واجتماعی که مردم افغانستان وارد آن می شوند همه سهم دارند واحساس کنند که حکومت ها ازطریق قدرت های نظامی و قدرت های زورمندکه در صحنه هستند ساخته نمی شودبلکه از طریق مراجعت به آرای مردم ساخته می شود وآن دربرنامه یی تنظیم شود که دو مرحله داشته باشد مرحله موقت ومرحلهٔ بعد از آن، که قانون مندیی بعد از یک فیصله شورایی وتصمیم گیری نمایندگان مردم به میان بیایدو این تصمیم وفیصله یی بود که من شخصاً به ان عقیده بودم اما زمانی که ما به کابل آمدیم باز هم نماینده سرمنشی ملل متحد آمد وگفت قرار است یک نشست صورت بگیرد در یکی ازکشورها، من برایش در شورای عالی رهبری جبهه متحد هم این مطلب را گفتم که ما فعلاً در کابل هستیم زمانی نشست ها در بیرون از کشور صورت می گرفت به علت آن بود که در داخل کشور نقطه یی مورد اطمینان دو طرف طالبان ومایا هم بشنیم وجود نداشت حالادیگر طالبان وجود ندارند، امنیت در داخل کابل به وجود آمده است باید نشست در داخل خود کابل صورت بگیردوتصمیم های مربوط به مردم در داخل کشور صورت بگیرد، آنان گفتند تفاهم ابتدایی راجع به نشست های بعدی اگر موافقه بکنید در بیرون انجام یابد و تصمیم های دیگر هرچه باشد در داخل گرفته می شود به همین اساس وقتی که در قسمت جای و طرز نمایندگی صحبت می شد فیصله به همین گونه صورت گرفته بودکه هیأت نماینده جبهه متحد صلاحیت و وظیفه محدود دارند وگ تنها حضور درکنفرانس و تفاهم در مسایل است اما آنان کدام فیصله اساسی نمی توانند بکنند. ولی زمانی که هیأت به بن رفت برخلاف فیصله شورای رهبری جبهه متحد دیده شد که اینان می خواهند تصمیم های اساسی در باره افغانستان بگیرند، به این اساس بود که ما اصرار دا شتیم در آن جا نباید تصمیم های اساسی گرفته شود؛ زیرا حکومت سازی حق مردم افغانستان است و اگر مجامع بین المللی علاقمندیی در قضیه افغانستان دارند باید به تصمیم خودمردم احترام بکنند. افغان ها یی که در بن حضورمی یابند به جز از جبهه متحد که یک طرف اساسی قضیه است دیگر اشخاص یا شورا های پراگنده یی که در آنجا جمع شده اند نه نمایندگی از کل افغانستان می کنند و نه نمایندگی از قومیت هاو نه نمایندگی از مراکز قدرت که باید در سرنوشت کشور تصمیم اساسی بگیرند. به هر حال شرایط در آنجا طوری بود که گفتند باید در آن جا فیصله صورت بگیرد و بالاخره بعد از فشار های بسیار زیاد با یک شتابزدگی و با یک درهم و برهمی بسیار فوق العاده خواستند پیرامون مسأله ساختار حکومت بحث شود. نقاط نظرما دراین مورد روشن بود که تصمیم در قسمت حکومت سازی حق مردم است به اراده ملی مردم افغانستان ارتباط دارد نباید توسط دکته ها وتوسط یک نوع اعمال فشار حکومت سازی در بیرون از کشور صورت بگیرد موضع ما درآن زمان روشن و قاطع بود. در قسمت حکومت سازی در خارج از کشور ملاحظه یی داشتیم که از طریق یک جرگه یی که اصلاً نمی توانست از مردم نمایندگی بکند حتی نمایندگان جبهه متحد صلاحیت تصمیم گیری را نداشتند اگر تصمیمی اساسی گرفته می شد باید توسط شورای رهبری گرفته می شد نه توسط یک عده کسانی که رفته بودند ملاحظه ما روشن بود این پهلوی منفی نشست بن از نظرماست. نتیجه این نشست به مردم افغانستان مساله اهتمام وتوجه جامعه بین المللی و اعلان آمادگی شان به سهمگیری در باز سازی افغانستان وقطع مداخلات در امور افغانستان وتامین امنیت بود زیرا تمام جنگ ها در طول دو دهه اخیر محصول مداخلات خارجی بوده است. دنیا تصمیم خود را اعلان کرد که از این به بعد در مسأله مداخله در امورافغانستان بی تفاوت نمی مانند. در این جا دیدیم کشورها یی که دیروز مداخله می کردند و کشور هایی که تماشا بین بودند وهمچنان کشور هایی که از امنیت افغانستان و از دولت و مبارزه ملی مردم افغانستان در دوران مقاومت حمایت می کردند جمعا آمادگی خود را به خاطر جلوگیری از مداخلات وتامین امنیت در افغانستان اعلان کردند که این پهلوی مثبت نشست بن است. در قسمت بازسازی بعدادیدیم که کار ها بسیار به کندی پیش رفت واما درمورد عدم مداخله تصور من این است که حضور نیروهای آیساف و نیروهای بین المللی وتوجه زیاد دنیا وضع را طوری آورده است کسانی که مداخله می کردندامروز مداخله مسلح را جهت بی امن ساختن کشور کمتر کارساز می دانند .

■ **منظورتان از قطع مداخله، تنها مداخلات همسایگان است ؟**

● مداخلات همسایگان وغیر همسایگان. درگذشته مداخله به اشکال مختلف صورت می گرفت چه ازطریق کشورهای همسایه چه از طریق کشورهای دیگر که این نوع مداخله را فعلاًکمتر می بینم. بعد از یک سال که اوضاع را ارزیابی می کنیم دونکته بسیار زیاد مهم است که آن عبارت است از مسأله ثبات سیاسی و امنیت در افغانستان وجریان بازسازی که متاسفانه بسیار به کندی پیش می رود و مسأله دیگری که مردم افغانستان به آن علاقه داشتند ودارند و حق شان هم هست که خود شان حکومت شان را ازطریق لویه جرگه ویا از طریق های مختلف باید بسازند.

■ **منظور شما این است که نشست بن جنبه های مثبت ومنفی دارد. جنبه های مثبت آن را گفتید که کمک در راه قطع مداخلات وتعهد سپردن جامعه جهانی برای بازسازی افغانستان است وآنچه به ساختن حکومت مربوط می شد در باره آن ملاحظاتی دارید؟**

هدف از مداخلات، مداخلات منظم خارجی است. در گذشته ها به صورت منظم جنگها توسط نیروهای نظامی از خارج و کسانی که به نیابت از خارجی ها می جنگیدند وجود داشت. این جنگ ها تا حد زیادی از بین رفته است اما در ساختار سیاسی مداخلات به نحوی وجود داشته است. در لویه جرگه اخیر در ساختار حکومت و در ساختار نظام صریحاً واضح شد که اراده آزاد مردم افغانستان در این راستا کمتر نقش داشت. و ما مشاهده می کنیم که مداخلات مختلفی در آن وجود داشت و تا هنوز دارد که مردم افغانستان درست خودشان تصمیم نمی گیرند؛ به طور مثال: همیش از حکومت فراگیر حرف زده می شد اما در کنفرانس بن حکومت فراگیر مورد بحث نیست. از متخصصان و تکنوکرات ها صحبت می شد اما دیده می شود که در ساختار حکومت چه در بن و چه در دوران بعد از لویه جرگه اساساً مداخلاتی وجود داشته و در ترکیب کابینه هم اساساً مداخلاتی وجود داشته است وهمان معقولیت هایی که باید مد نظر گرفته می شد ودر آنجا مدنظر گرفته نشد. نه تخصص مد نظر گرفته می شود نه مسأله سوانح. و حکومت ها بدون در نظر داشت این معیار ها ساخته شد مثلاً آنچه که در دوران لویه جرگه گذشت.

● **شما و مجاهدین چرا کاندیدای ویژه یی در لویه جرگه اضطراری برای پست ریاست دولت نداشتید؟**

■ طوری که من اشاره کردم، مداخلات مسلح نظامی که قبلاً صورت می گرفت با سقوط طالبان این مسایل از بین رفت وما امیدوار هستیم که ازین به بعد مداخلات نظامی در امور کشور ما که عامل اصلی جنگ ها بوده است به میان نیاید تا افغانستان بتواند در فضای امن و اطمینان زندگی نوی را آغاز کند و بازسازی موفقانه به پیش برود؛ اما در قسمت مسایل سیاسی مداخلاتی وجود داشته است.

مداخلاتی در مورد اعضای کابینه و شخصیت های مورد پذیرش مردم از جانب موسسات بین المللی به صورت خیلی سریح و روشن وجود داشته که ما شکل بسیار روشن آن را در دوران لویه جرگه است ملاحظه کردیم.

شما به کاندیدا اشاره کردید، پیش از این که لویه جرگه اضطراری دایر شود جریان تنظیم کار و سرپرستی لویه جرگه اضطراری کاملاً در فضای ابهام و سردرگمی روان بود. فهمیده نمی شد که آیا واقعاً چه کسانی در کمیسیون لویه جرگه اضطراری کار می کنند و چه برنامه و پروگرامی دارند که من این مسأله را چند بار گفته بودم.

دو مسأله و دوزمینه خیلی مساعدی در افغانستان به میان آمد و چه بهتر که ملل متحد و مردم افغانستان از آن استفاده خوبی به عمل می آوردند. در عرصه حیات سیاسی و ثبات سیاسی و ایجاد صلح وامنیت در افغانستان شرایط بسیار مساعد بود. یکی ، در نشست بن پیش از این که تصمیم گرفته می شد فیصله ها باید به صورت بسیار وسیع تنظیم می شد. دوم مسأله لویه جرگه بود که در لویه جرگه اضطراری قسمی که گفتم ساختار کمیسیون با یک ابهام و بدون شفافیت به پیش می رفت و هیچ کس مطمین نبود که آیا اداره موقت دوام می کند یا لویه جرگه یی ساخته می شود؟

به همین اساس مجاهدین در حالت بی تصمیمی بودند.

● **شما عدم شفافیت در کارهای لویه جرگه را تقصیر حضورسازمان ملل متحد می دانید؟**

■ در ابتدا شفافیت کاملاً وجود داشت و به همین اساس بود که تعداد زیادی افغان ها و من خودم نظرم را در این قسمت اعلان کرده بودم.

کمیسیونی ساخته شد و مسوولیت بزرگی به دوش کمیسیون گذاشته شد اما شخصی را که رئیس آن ساخته بودند اصلاً این کار بالاتر از حدود صلاحیت و کفایت و اهلیت او بود.

به هر حال، هرچه بود صورت گرفت اما باز هم کار طوری بود که تقسیم بندی ها واعضای انتخابی وغیر انتخابی و انتصابی با ارتباطات شخصی، حتی قسمی که شنیده می شد از یک خانواده شانزده تن به عنوان نماینده های انتصابی تعیین و معرفی شده بودند.

باوجود این سردگمی وقتی لویه جرگه دایر گردید با وجود ترکیب نامتوازن، باز هم بهترین فرصتی بود که در این جا برای ساختار دولت کاری صورت می گرفت.

وقتی که لویه جرگه ونشست های آن دوام یافت زمزمه، کاندیداها بالا شد.

در این وقت تعدادی زیاد از اعضای لویه جرگه به من مراجعه کردند اما من ارزیابی می کردم که چه کاری باید بکنم و من به این عقیده بودم که به عنوان یک کار شخصی و گروهی این کار نباید شروع شود بلکه ببینم که چه نوع برنامه ی در لویه جرگه باید مطرح شود.

برای این که یک کاندیدای مشترک و یک برنامه مشترک سنجیده شود تعدادی از دوستان آمدند منجمله استاد سیاف و فهیم خان و مرحوم حاجی قدیر و آقای کرزی را هم باخود آوردند و گفتند که خودت کاندیدا نه بودی و حالا زمزمه شد که کاندیدا هستی ما تقاضا می کنیم که به عنوان خانواده متحد مجاهدین یک کاندیدا داشته باشیم که آقای کرزی است. من گفتم که در حصه شخص آقای کرزی من زیاد ملاحظه ندارم مگر منظور من این است که باید بفهمم که چه نوع اداره یی می سازیم،مجاهدین که می خواهند یک اداره، واحدی به میان بیاید مسأله برنامه واحد مهم است، چه نوع کابینه یی تنظیم می شود و چه نوع برنامه باید ساخته شود. به همان اساس من یک سلسله نظریات خود را گفتم.

من به همین عقیده بودم و به همین عقیده هستم، من گفتم که در کشورهای بحران زده معمولاً کشورهایی که از یک مرحله، جنگ و بحران سر به در می آورند، مسأله مهم آنها، حکومت سازی می باشد که تا بتواند بحران ها را مهار بکند و جلو بحران های جدید را بگیرد. باید نظام های بعد از بحران، نظام های فراگیر مبتنی بر وحدت ملی باشد و به شکل تک حزبی و تک رهبری نباشد بلکه شامل تمام مراکز قدرت وشامل تمام منابع باشد و همه در یک تشکیل وسیع حکومت سازی سهم بگیرند.

ضمناً به خاطر حل بحران ها و به خاطر ایجاد اعتماد یک سلسله برنامه هایی وجود داشته باشد و یک تعداد نهادهایی در پهلوی قوه، اجرایه وجود داشته باشد تا تمام مشکلات در قوه اجرایه و حکومت نباشد. به همین اساس من چند پیشنهاد کردم.

پیشنهاد اول من این بود که، تامین امنیت مشکل اساسی است. استراتژی ساختار اردو یک مسأله اساسی دیگر است. شورای رهبری ساخته شود و بعضی شخصیت ها به شمول پادشاه سابق افغانستان در گ سهم داشته باشند.

دوم – پارلمان باید منحیث یک نهاد قانونی وجود داشته باشد.

سوم – کابینه که ساخته می شود، بدون این که پشت پرده بنشینند و تصمیم بگیرند، باید از پارلمان رای بگیرند و وزیرهای بسیار قوی، وزیرهایی که اولاً درباره شان صحبت شود و بعد به رأی اعتمادگذاشته شوند، باید انتخاب گردند.

در قدم اول مشورت صورت گیرد اگر کابینه یی ساخته می شود ویا صدر اعظم انتخاب میگردد باید با گروه پارلمانی مشورت انجام یابد.

در مورد این که چه نوع کابینه انتخاب گردد صحبت ها صورت گرفت و تعدادی از برادران گفتند که خودت اگر موافق باشی پیشنهاد ما خودت هستی و بعضی ها وظیفه گرفتند که پیشنهاد ها را عملی بسازند به همین اساس بود که گفتم من کاندیدا نیستم و این برنامه به خاطر ثبات سیاسی و استحکام امنیت و از بین بردن بحران بی اعتمادی، به میان آمدن یک کابینه با قدرت می باشد

ص ٤

به خاطر حفظ تاریخ وفرهنگ وهویت ملی...

اما متأسفانه کابینه طوری ساخته شد که در مورد قدرت کاری و شخصیت های آن حرف ها و دیدگاهایی وجود دارد.

● **وعده هایی که با شما سپرده شده بود قطعاً در عمل صورت نگرفت و در ساختار حکومت هم؟**

■ در ساختار حکومت هم قطعاً از من مشورتی ورت نگرفت.

● **پس وزرایی که ازاعضای جمعیت ند شما معرفی نکرده اید؟**

■ ما هیچ کس را معرفی نکرده ایم من یک مامور را هم معرفی نکرده ایم

● **اما جمعیت همیش از حکومت حمایت کرده است؟**

■ حمایت ما به خاطر منافع ملی بوده است باوجودی که نقاط نظر خود را اعلان داشته ایم بعد از این که حکومت جدید واداره انتقالی ایجاد گردید باز هم ما حمایت کرده ایم. هدف ما این است که باید در کشور امنیت بیاید . زمانی که سفرای بعضی از کشورها آمده بودند می خواستند که با جمعیت یعنی با شخص من به عنوان یک رهبر اپوزیسیون صحبت کنند. گفتم اصلاً من ا با دولت پوزیسیون نیستم. و این حکومت در وضعی نیست که در برابر آن اپوزیسیونی باشد، بلکه ما می خواهیم که ثبات و استحکام بیاید و امنیت در کشور بیاید و به همین اساس بوده است باوجودی که پیشنهادها وخواست های ما مدنظر گرفته نشد ماگفتیم که در قسمت استحکام امنیت ودر قسمت موفقیت این حکومت هرچه در توان ماست در سطح ملی و بین المللی باید همکاری کنیم تا کشور از این وضع بحران زده بیرون آید و دچار بحران های جدید نشود.

● **قبل از کاندیداتوری علاوه از وعده های آقای کرزی و دیگران، جهات خارجی هم وعده هایی به شما داده بودند؟**

■ ما اصلاً با هیچ جهت خارجی صحبت نکرده ایم و من به این عقیده و به این نظر هستم که در ساختار نظام ملی باید تنها تصمیم های ملی مطرح باشد. مداخله خارجی همیشه بحران آفرین بوده است، چه به شکل مداخلات نظامی و چه به شکل مداخلات فرمایشی در قسمت ساختار حکومت و نظام از هر جانبی که بوده بحران ها را از بین نبرده بلکه به بحران های جدید فضا داده است.

● **شما در دوران یک سال از طول عمر حکومت جدید و تحول جدید به عنوان رهبر انقلاب و به عنوان رهبر پیشین دولت چه ارزیابی دارید؟**

■ من به این عقیده هستم که باید موضوع خموش گذاشته نشود. باید مشوره های صریح و روشن داده شود و از طریق مطبوعات هم انعکاس یابد تا این طور احساس نشود که گویا هرچه می گذرد همه با آن راضی هستند. بسیاری مسایل بایدگفته شود. نقاط نظر هزوقت به حکومت گفته شود از طریق مطبوعات ویا در اجتماعات مطرح شود تا کارهای درستی صورت بگیرد.

● **به نظر شما و جمعیت نقاط بارزی که بایددرآن موردمشوره صورت بگیرد چه است؟**

■ به عقیده من مسایل زیادی است. صحبت هایی که با مسوولین داشته ایم وضمناً مشوره هایی که صورت گرفته است یکی مسایلی که مطرح بوده است کمبود شورای عالی از امنیت ملی است که باید ایجاد می شد وموجودیت پارلمان است که پارلمان به نفع دولت انتقالی بوده و بسیاری مسایل و مشکلاتی که دولت انتقالی به آن روبه رو است، می توانست راه حل یابد.

چند مسأله دیگر را نیز می توان یاد آور شد ،یکی از آن ایجاد کمیسیون های متعدد می باشد.

به جای کمیسیون های متعدد باید وزارت خانه ها فعال شوند نه این که در پهلوی هر وزارت چند کمیسیون دیگر ساخته شود.

دیده می شود که کمیسیون های عریض و طویلی در وزارت خانه ها ایجاد گردیده و شاید بودجه بعضی از این کمیسیون ها بالاتر از چند وزارتخانه باشد.

موضوع دیگر به عقیده من، به خاطری که حکومت مرکزی خیلی قوی باشد و تسلط کامل داشته باشد باید استقلال و عملکرد نیروها و قدرت های محلی و ایالتی به شکل دیگری تبارز یابد یعنی بعضی از شخصیت های عمده در کابینه سهم بگیرند تا تسلط دولت بر تمام ولایات به صورت قوی پخش شود.

موضوع دیگری که گفتم ایجاد شورای عالی امنیت می باشد که باید تصویب می شد که اگر نشد پارلمان باید حتماً تصویب می شد. ایجاد پارلمان کار ساده نبود. در لویه جرگه حتی تقاضای وسیعی وجود داشت که باید پارلمان به وجود بیاید، اما متأسفانه رئیس لویه جرگه می گفت که پارلمان در اسناد کنفرانس بن نیست. این سخن تعجب انگیز است زیرا کنفرانس بن نمی تواند مسایل اساسی ملی را فیصله کند در دوران اداره موقت وبعداً در اداره جدید قانون اساسی ۱۳۴۳ به حیث قانون معمول به و مورد قبول می باشد که پارلمان وصدر اعظم در آن وجود دارد.

● **در قرار داد بن مسأله شورا چگونه مطرح بوده است؟**

■ کنفرانس بن یک جلسه اضطراری به خاطر حل مسایل اساسی ملی نبود بلکه به خاطر مسایل امنیت بین المللی و بازسازی بود اما وقتی که لویه جرگه به میان آمد صلاحیتش به این جرگه ملی انتقال کرد.

فعلاً عالی ترین مرکز تصمیم گیری لویه جرگه است که قانون اساسی را پاس می کند و زعامت کشور را تعیین می کند.مسایلی که به تصمیم های ملی ارتباط دارد دیگر مربوط به کنفرانس بن نمی باشد آنچه باقی مانده تعهدات بین المللی کشورهاست در ارتباط بازسازی و مسایل امنیتی. آن دو مسأله یی است که به افغانستان مربوط نیست بلکه افغانستان منحیث یک کشور در آن سهم دارد و کشورها و مجامع بین المللی نقش عمده و اساسی را دارا می باشند.

اما مسأله پارلمان مسأله یی است که آن را کسی نمی تواند لغو کند خصوصاً بعد از این که لویه جرگه تدویر یافت.

● **پس این گپ ها بدین معنا ست که جمعیت از دوره سکوت وخاموشی گذشته و وارد مرحله جدید سیاسی شده است؟**

■ یقیناً جمعیت به خاطر سهمگیری در قضاپای ملی وسیاسی باید نقش تعیین کننده خودرا قسمی که در سه دهه اخیر در کشور ادا نموده است باید ایفا نماید.

پیش از تهاجم اتحاد شوروی ، جمعیت به عنوان عمده ترین سازمان فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی در کشور به عنوان یک قدرت به میان آمد و بعد ازاین که نظام های کودتایی به میان آمد و مردم افغانستان در برابر طنین ما رکسیزم و تهاجم اتحاد شوروی قرارگرفتند، با زجمعیت در پیشاپیش جهاد و مبارزه قرارداشت و بعد ازن در دوران مقاومت به عنوان یگانه نیروی پیش آهنگ در دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی و دفاع از نوامیس ملی افغانستان و دفاع از مردم بی یدفاع افغانستان بود. بعد از یک مرحله سکوت و انتظار فعلاً درحیات ملی و حیات سیاسی افغانستان جمعیت باید نقش خود را به نفع امنیت و به نفع سهمگیری ملی به صورت اساسی انجام بدهد.

● **این سخنان شمارا در زمانی ما می یابیم ومی شنویم که برخی از روزنامه ها و رسانه های گروهی دولت نوشته است که گویا دوران احزاب جهادی و سازمان های اسلامی به پایان رسیده و سازمان های جهادی معلول دوران جهاد واشغالگری بودند و طبعاً با ازمیان رفتن علت، معلول هم باید از میان برود و دوران شان به پایان رسیده، پس نظر شما در باره این حرف ها چیست؟**

■ به چند مطلب در این جا باید اشاره کنیم:

اول این که در شرایط کنونی ملت مسلمان افغانستان به سوی مقابله با جریان های استبدادی روان است اینْ حرف بازهم بدین معناست که گویا جامعه به سوی انحصار طلبی ، به سوی جریان های استبدادی سوق داده شود و بدین گونه می خواهند بگویند که تعدادی حق دارند کار های سیاسی را انجام دهند و تعدادی حق ندارند. یقیناً این عمل مخالف روند سیاسی است که فعلاً افغانستان به سوی آن گام برمی دارد.

دوم این که معمولاً در تاریخ دیده شده است که جریان ها و حتی شخصیت های ملی احزاب ملی که دردوره های مبارزات ملی سهم داشته اند به احترام مبارزات شان سال ها از آن ها واز مبارزات سیاسی شان به عنوان یک واقعیت عینی در حیات ملی و سیاسی، باقدر دانی یاد می شوند، که جبهه آزادی الجزایر یک نمونهآن است.

زمانی که جبهه آزادی الجزایر در مبارزات ملی سهم گرفت تا حال حکومت هایی که تشکیل می شود از جبهه آزادی به نیکویی یاد آور می شوند. وحتی امتیازات زیادی برای کسانی که در مبارزات ملی و جهاد مسلح سهم داشته اند داده می شود. در کشورهای اروپایی می بینیم بعد از این که نظام های شاهی سقوط کردند به احترام زعما و پادشاهانی که در دفاع از استقلال و در دفاع از آزادی کشور خویش سهم داشتند، صدها سال بعد هم خاندان آن ها به احترام این که در مبارزات ملی سهم داشته اند و نقش ملی خود را ایفا نموده اند جزء تاریخ گشته اند. فعلاً حرکت های جهادی به عنوان قهرمانان ملی در تاریخ افغانستان جایگاه خود را باز کرده اند.

این ها تنها به عنوان یک نیرو جهادی نیستند، این ها به عنوان افتخارات تاریخی ملت افغانستان هستند.

کسانی که می خواهند این جنبش های جهادی را که از افتخارات ملی افغانستان می باشد با یک حرکت توطئه آمیز به کلی نا دیده بگیرند یقیناً من فکر می کنم که این گپ ها ادامه جریان توطئه طالبان می باشد، قسمی که توطئه حرکت طالبان یکی از اهدافش همین بود که به نام توپکیان (تفنگداران) می خواستند افتخارات جهاد و مردم افغانستان را از بین ببرند؛ زیرا آنها به عنوان یک جریان مزدور آمده بودند.

آن ها نمی خواستند که جریان های آزادی بخش ملی به عنوان افتخارات تاریخی مردم افغانستان عرض وجود کند.

برای من بسیار تعجب آور است که گویا صدای طالبان را به شکل دیگری برای از بین بردن همه افتخارات تاریخ از یک جریده دولتی بخوانیم.

● **پس به عنوان آخرین سوال وقتی تجدید فعالیت های جمعیت قرار است آغاز شود طرح کلی جمعیت دراین مرحله چیست؟**

■ قسمیْ که گفتم در شرایط فعلی باید به سوی وحدت ملی پیش برویم و به سوی بحران زدایی به پیش برویم.

من به این عقیده هستم که جمعیت به تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی وفرهنگی افغانستان پیام بدهد و به سوی هر یکی دستْ دراز کند. در شرایط فعلی به خاطر حفظ تاریخ و فرهنگ و هویت ملی افغانستان همه دست به دست همدیگر بدهیم و برای ساختن یک افغانستان قدرتمندو مستقل و آزاد و یک افغانستانی که امروزش با دیروزش و دیروز و امروزش با فردایش پیوند داشته باشد حرکت کنیم.

دیگر سلیقه های شخصی و گروهی ، یکی بر ضد دیگری تحت این و آن نام که در دوره های مختلف به میان آمده است باید از بین برود. همه اقوام، همه فرهنگی ها، همه سیاستمدارها دست به دست همدیگر بدهند و برای ثوابت ملی بر اساس ارزش های ملی و فرهنگی ودینی افغانستان متحدانه کار بکنند.

جمعیت به عنوان یک سازمان سیا سی دربخش کار داخلی به سطح دولت سازی و حکومت سازی در یک جریان وسیع تری سهم خود را بایدادا بکند. چه گروه هایی که در جبهه متحد بودند و چه کسانی که در جبهه متحد نبودند چه شخصیت هایی که در دوره های مختلف از کشور دور بودند همه به خاطر بازسازی افغانستان دست به دست همدیگر بدهند.

فعلاً جمعیت می خواهد ارتباطات وسیع خود را با شخصیت ها و گروه ها و نهاد ها و ملیت های مختلف داشته باشد. منتها همه عواملی که باعث ایجاد بحران در کشور می شود و باعث بد امنی و فضای بی اعتمادی در کشور می شود از بین برود. این مختصری از آرمان نو و برنامه کنونی است که جمعیت روی دست دارد.

● **آیا برای لویه جرگه آینده و انتخابات پارلمانی آینده جمعیت وارد فعالیت های سیاسی می شود؟**

■ طبعاً، این کار جز رسالت جمعیت که یک حزب قدرتمند سیاسی است که در حیات ملی افغانستان مخصوصاً طی سه، چار دهه نقش بارز و روشنی داشته است و نمی خواهد که در مسایل بی تفاوت بماند.

تلاش ما بر این است که برای از بین بردن نفاق ملی و از بین بردن بحران بی اعتمادی از بین بردن سلیقه هایی که فاصله ایجاد می کند- بین سیاستمدار ها و گروه های سیاسی - از بین بردن تضادها و کشمکش های قومی و به میان آمدن یک فضای اعتماد متقابل در یک برنامه واحد برای لویه جرگه و برای هرکار دیگری جمعیت کار خود را به قوت آغاز می کند البته در ساختار نظام و دولت و اداره علاقه دارد با یک دید وسیع در یک برنامه مشترک سهم بگیرد.

● **در اخیر ازاین که جناب استاد مارا به حضور پذیرفتید و سخنانی ارزنده را پیرامون پرسش های ما ابراز داشتید متشکریم.**

ویژه ٦ جدی :

درگیری شوروی درافغانستان

عبدالحفیظ منصور

شش جدی ۱۳۵۸ مصادف است با تجاوز عریان شوروی در افغانستان ، که در آن روز ۸۵ هزار سرباز شوروی از طریق هوا وزمین افغانستان را مورد تهاجم خویش قرار دادند.

این تجاوز، خلاف انتظار شوروی و جهان ، نه تنها در کوتاه مدت کار گر نیفتاد، بلکه بعد از نه سال و یک ماه وهژده روز ارتش سرخ با تحمل خسارات و تلفات، از خاک افغانستان بطور کامل خارج گردید.

عوامل تجاوز شوروی را به افغانستان می توان چنین خلاصه کرد:

۱-پخش ایدیولوژی کمونیستی

۲-تقرب به سوی اهداف استراتیژیکی

۳-جلوگیری از سقوط رژیم کمونیست کابل

از آنجا یکه روس ها از سالیان قبل در پی اشغال افغانستان بودند، چون هم کمونیسم برای شان این اجازه را می داد وهم اهداف استراتیژیکی أنها در این استقامت قرار داشت، از اینرو بی ثباتی اوضاع در افغانستان فرصتی را برای انها مساعد ساخته بود، تا تحت بهانه کمک به رژیم کمونیستی کابل افغانستان را تسخیر نمایند.

این تهاجم بعد از جنگ دوم جهانی بزرگترین لشکر کشی شوروی به شمار می رود، که سر انجام به حیات آن خاتمه بخشید. سیاست مداران و ناظرین خارجی در آغاز با رهبران مسکو اختلاف زیادی نداشتند ، بلکه هر دو گروپ در سقوط افغانستان به کام اژدها ی سرخ متفق الرأی بودند و مقاومت مردم افغانستان رابین یک ماه تا سه ماه همچون کشور های اروپا شرقی(هنگری ۱۹۵۶، چکوسلواکیا ۱۹۶۸) می دانستند ولی بعد با اوج گیری مقاومت بی نظیر مردم افغانستان غرب در رأس آن امریکا با تقویه نمودن مجاهدین در صدد ضربه زدن حریف جهانی خویش برآمد و کشور های جهان که با بی تفاوتی اوضاع افغانستان را تا آن وقت نظاره می کرد، تکان خورد وبه عواقب وخیم تجاوز شوروی به افغانستان پی برد، جنگ افغانستان از یک در گیری داخلی به یک مبارزه آزادیبخش ارتقا یافت و اخبار مربوط به آن در سرلوحه خبر های روز جهان قرار گرفت.

تغییری که تجاوز شوروی در شیوه مبارزه مردم افغانستان وارد آورد، کاملاً مشهود است- طوری که مردم تا آن زمان پیروزی در برابر رژیم کمونیست کابل را نزدیک می دیدند، و باقیام های عمومی در گوشه و کنار کشور در برابر آن اقدام نمودند، اما تجاوز



ببرک کارمل واناهیتا درکنار برژنیف ، مسکو ۱۹۸۰

ارتش سرخ به مردم افغانستان فهماندکه پیروزی در برابر یک ابر قدرت متجاوز در کوتاه مدت مسیر نیست، لذا خودرا برای یک جنگ طولانی آماده نمودند، که در نتیجه شکل جنگ از "قیام عمومی" به " جنگ چریکی" تحول نمود.

در مد و جذر های جنگ افغانستان بسان جنگ های دیگر عوامل و پدیده های فراوانی اثر گذاشتند، و چهره جنگ را ترسیم



از ستم و وحشت روسها مردم به خارج کشور مهاجرت می کنند

نمودند- مثلاً اگر بادید کلی تاثیر هر یک از رهبران شوروی در جنگ افغانستان بررسی شود ، این نتیجه به دست خواهد امد که "برژنف" دست به حمله مستقیم زد، " اندرو پوف" به تقویه استخبارات (خاد) پرداخت، "چرنینکو" طرح "ملیشیای قومی" را ریخت و بالاخره "گورباچوف" یک عملیات دوجانبه "سیاسی-نظامی" را در افغانستان دنبال کرد.

چون مجاهدین در سراسر مدت حضور قوای شوروی در افغانستان در حالت دفاعی بسر می بردند، تهاجمات ارتش سرخ را به چهار مرحله می توان تقسیم نمود:

الف:نمایش قوا(۱۳۵۸_۱۳۶۰)

ب: جنگ ضد چریکی(۱۳۶۱_۱۳۶۲)

ج: حمله بالای جبهات منظم جهادی (۱۳۶۳_۱۳۶۵)

د: آماده گی برای خروج (۱۳۶۶_۱۳۶۷)

نمایش قدرت

(۱۳۵۸_۱۳۶۰)

در آغاز استراتیژی جنگی شوروی را ، تصرف مرکز افغانستان (کابل) و استقرار در نقاط حساس افغانستان تشکیل می داد، که چنان کرد.

سراز بهار ۱۳۵۹ هه ش قوای شوروی در قطار های طویل مرکب از تانک های سنگین و لاری های حامل تجهیزات جنگی به حملات سنتی بالای پایگاه های عمده مجاهدین پرداخت، که اولین حمله از این جمله برای جلوگیری از سقوط "چغه سرای" به دست مجاهدین در ولایت کنر صورت گرفت. همچنان در سال ۱۳۵۹ پنجشیر ، لوگر ، هرات، قندهارو مزارشریف مورد حمله ارتش سرخ قرار گرفت که این لشکر کشی بیشتر جنبه "نمایش قوا" را بر رخ مردم افغانستان داشت تا یک حمله بر ضد نیرو های چریکی را _ زیرا روسها بدین فکر بودند که با چنین لشکر کشی ها می توانند در دل مردم افغانستان رعب و ترس ایجاد نمایند و عزم مبارزه را در نهاد شان بمیرانند. اما حملات ناگهانی گروپ های کوچک مجاهدین که قرار گاه ثابتی نداشتند، تلفات و خسارات سختی را بر قوای شوروی وارد آورد، بالمقابل ارتش شوروی که برای نبردهای جبهوی آموزش دیده بودند، ابتکاری نداشتند، بدین ترتیب گرچه این در گیری های مقدماتی نتایج تعیین کننده ای نداشت، اما روحیه مجاهدین را بالا برد و به جهانیان نشان داد، که مردم افغانستان قدرت مقابله با قوای شوروی را دارند.

درسال ۱۳۶۰ روسها به تجدید سازمان ارتش ۴۰ پرداختند.

برای روس ها مشکل تنها بی کاره گی تجهیزات شان نبود، بلکه عساکر تاجیک و ازبیک مربوط به جمهوریت های آسیای میانه فاقد روحیه رزمی علیه مجاهدین افغان بودند، ایشان به جای جنگ ، با استفاده از زبان مشترک شان با مردم افغانستان ، در تماس شده و احساس همدردی نشان دادند، که برای سران ارتش سرخ خبرتکان دهنده ای بود، لذا مسکواعلام داشت(۲۲ جون ۱۹۸۰) که تعدادی از قوایش را از افغانستان خارج می سازد، که اکثر سربازان مذکور از افغانستان بیرون رفته وجای شان به وسیله عساکرروسی الاصل پر ساخته شده.

چون سازمان های جهادی برای مقابله با تجاوز شوروی آماده گی لازم نداشتند ، از این روطرح واحدی برای تنظیم قوای مقاومت از جانب مراکز رهبری جهاد هر یکی استعداد و سلیقه های شخصی خویش را در نحوۀ مقابله با قوای شوروی به کار گرفتند، آنهائیکه سوابق کاری در ارتش افغانستان داشتند، جبهات تحت قوماندۀ شان شکل ارتش منظم را گرفت ، که کار محمد اسماعیل خان در هرات ومحمد غوث خان (رئیس نظامی جمعیت اسلامی که در ۱۳۶۱ به شهادت رسید) در بدخشان (کران ومنجان) و سید جگرن در هزاره جات مثال روشنی دراین زمینه است. در مناطقی که فرماندهان شان را افراد متنفذ مسلمان محلی تشکیل می داد، سازماندهی جنگ در دسته های قومی محدود ماند و احمد شاه مسعود دردرۀ پنجشیر طرح " جنگ چریکی" را ریخت و مجاهدین را با معیارهای آن تنظیم نمود، که رفته رفته این کار سرمشق خوبی برای بسیاری از قوماندانان جهادی کشور قرار گرفت.

جنگ ضدچریکی

۱۳۶۱_۱۳۶۲

در خزان ۱۳۶۰ مارشال "سه کلوف" معاون اول وزارت دفاع شوروی از افغانستان دیدن نمود، که در نتیجه استراتیژی جدیدی در جنگ علیه مجاهدین طرح گردید که نقاط اساسی آن عبارتنداز:

۱-به تعداد عساکر شوروی در افغانستان افزوده شد، طوری که در سال های ۱۳۶۲،۱۳۶۱،۱۳۶۰ ده ، ده هزار تن دیگر وارد افغانستان گردید.

۲-روس ها سیاست " کشتن افغان به وسیله افغان" را درپیش گرفتند، زیرا تحمل تلفات در جنگی که انجامش معلوم نبود، برای شان دشوار بود.

از این روبه" جنرال عبدالقادر" وزیر دفاع رژیم کابل در تابستان ۱۳۶۱ هدایات مشخصی پیرامون جلب و جذب بیشتر نیروبه صفوف ارتش داده شد و مطابق همان پالیسی ، ارگان های متعددی بنام " دفاع خودی" و " دفاع ازانقلاب" رونق بیشتر یافت وکار اعطای رتبه های نظامی بالا گرفت.

۳-در برنامه جدید به تشدید جنگ علیه مردم ملکی واهداف غیر نظامی اولویت داده شد، زیرا روس ها فکر می کردند، که باتشدید جنگ علیه اهداف غیر نظامی و تخریب منابع اقتصادی یک از دو چیز را به دست خواهند اورد، یا مردم مجبور به پیوستن به صفوف رژیم کابل می شوند و یا افغانستان را ترک گفته به خارج می روند، که درهردوصورت مجاهدین از حمایت مستقیم شان محروم می گردند. واین امر یکی از اشتباهات عمده شوروی ها بود. زیرا خشونت بر علیه افراد ملکی ، رابطه اهالی را باچریک ها مستحکمتر می سازد.

۴-افغانستان از جانب شوروی ها به هفت زون (Zone) عملیاتی تقسیم شد، که درهرزون مطابق شرایط آن جنگ را عیار نمودند، که عبارتند از:

۵-روس ها برای نخستین با راز قوای دیسانت(توسط هلیکوپتر درنقطه مورد نظر انتقال می یافتند، البته با نیروهای پراشوتی اشتباه نشود) استفاده بردند. مرگ «برژنف» (۱۰نومبر۱۹۶۲) جنگ افغانستان رامتحول ساخت، زیرا " اندروپوف" به جای او نشست که نامبرده نظربه سابقه کاری اش علاقمند کار استخباراتی بود، ازاین روارگان "خاد" (خدمات امنیت دولتی) را در افغانستان تحت ریاست داکتر نجیب الله تقویه نمود.

ودر عهد " اندرو پوف" بود، که جنرال "مکسیموف" به حیث قوماندان قرارگاه تاشکند انتخاب گردید، البته جنگ افغانستان به استثنای ناحیه " واخان" که به تاجیکستان ارتباط داشت، از تاشکند هدایت می گردید.

به هر صورت ، تا این مرحله اکثر مبصرین غربی به پیروزی مردم افغانستان با ورنداشتند و جنگ افغانستان را میدان تمرین برای قوای شوروی می شمردند.

ص ٦



قیام مردم کابل، ۳ حوت ۱۳۵۸

درگیری شوروی در...

حمله بالای پایگاه های فعال مجاهدین

۱۳۶۳-۱۳۶۵ه. ش

روس ها در سال ۱۳۶۳ در افغانستان استراتیژی جدید را در پیش گرفتند، که عوامل ذیل می تواند در آن دخیل بوده باشد:

الف: به قدرت رسیدن "چرنینکو" به جای "اندرو پوف"، زیرا وی از هم فکران "برژنف" بوده و در افغانستان از سیاست فشار بیشتر طرفداری می کرد.

ب: عصبانیت رهبران کرملین از نتایج "آتش بس" با جبهه پنجشیر، زیرا در طی آتش بس نه تنها جبهه پنجشیر منزوی نگردید، بلکه در خارج از کشور مذاکرات مستقیم هیأت روسی با مجاهدین، به رسمیت شناختن مجاهدین از جانب شوروی تلقی گردید. و درداخل کشور، احمد شاه مسعود از حیثیت و اعتبار خویش استفاده اعظمی برده ودرطی یک سال به قول خودش "پنج، پنجشیر" دیگر تاسیس نمود.

استراتیژی جدید شوروی دارای ابعاد چهارگانه ذیل بود:

۱–حمله بالای پایگاه های فعال مجاهدین.

۲–تحت فشار قراردادن پاکستان وایران.

۳–قطع راه های اکمالاتی مجاهدین.

۴–توجه جدی به جلب ملیشیا.

قوای شوروی در بهار ۱۳۶۳، بزرگترین تهاجم خویش را به درهٔ پنجشیر (هفتمین حمله) آغاز نمود، در این حمله حدود ۲۰ هزار سرباز شرکت ورزیدند، که در آن فرقه ۱۰۸ شوروی به فرماندهی جنرال «سردوف» و کندک های مستقل کماندو وقول اردوی مرکزی رژیم تحت قوماندهٔ جنرال «شهنوازتنی» شامل بود. در این جنگ بزرگترین وخطرناکترین درگیری قوای شوروی در افغانستان به حساب میآید، روس ها از ۳۶ فروند طیارات بلند پرواز Tu-۱۶ که معادل B-۵۲ امریکائی است و Su-۲۴ بر علیه مجاهدین استفاده به عمل آوردند

هرات تحت فشار زیادی قرار گرفت و تابیست کیلو متری غرب آن شهر در اثر زدوخورد ها به ویرانه ای مبدل گردید، و به اطراف شهر چهار کمر بند امنیتی احداث شد.

از نقاط داغ جنگ یکی هم «جاجی» ولایت پکتیا بود، که به دلیل نزدیکی آن با سرحدپاکستان وراه اکمالاتی مجاهدین از اهمیت ویژه ای برخور دار است.

روس ها در بهار ۱۳۶۴ به «بریکوت» کنر، و در تابستان آن سال به «ژوره» مرکز فرماندهی مولوی جلال الدین حقانی هجوم بردند، در هردو حمله از نیروهای دیسانت کار گرفته شد، ولی از حیث تعداد افراد، در حمله اولی ده هزار تن و در حمله دومی بیست هزار سر باز شرکت داشتند.

به هر صورت سال ۱۳۶۳ از نظر تلفات برای قوای شوروی، بد ترین سال بود، زیرا طی این سال تلفات شان دوبرابر سال گذشته بود. مثلاً در ۱۹۸۳، ۱۰۵۷ کشته ولی در سال ۱۹۸۴، ۲۰۶ کشته به جا گذاشت. و مهمترین ضایعهٔ مجاهدین، شهادت «ذبیح الله خان» فرمانده بلخ به اثر انفجار ماین در خزان ۱۳۶۳ بود.

از جهت دیگر، شوروی و رژیم کابل موفقیت بیشتری در جلب ملیشیا به دست آورد، طوری که «عصمت مسلم» در قندهار «جمعه خان» در بغلان، "سید احمد" در هرات و گروپ هایی در پکتیا که تا آن وقت در صف مجاهدین قرار داشتند، به رژیم کابل پیوستند.

مداخلات هوایی پی در پی طیارات



سپهسالار شهید برای فرماندهان عملیاتی جزئیات عملیات را روی میز ریگی تشریح مینماید

شوروی و رژیم کابل بر حریم پاکستان، با خویشتنداری آن کشور مواجه گردید که از عکس العمل بالمثل اجتناب ورزید، اما تحویل دهی هواپیما های هشداردهنده AWACS را به پاکستان بر سرزبانها آورد.

به قدرت رسیدن «گورباچوف» در شوروی، جنگ افغانستان را ابعاد تازه ای بخشید، تا آن زمان تمام فشار روس ها بر روی کا رنظامی بود، ولی گورباچوف در پهلوی تشدید حملات نظامی، فعالیتی های سیاسی را در عرصه بین المللی پیرامون افغانستان انکشاف بخشید، که از آن دو منظور داشت و سر انجام به مقصد اول نایل آمد:

اول: پنهان کردن جنایات عساکر شوروی و واقعیات جنگ افغانستان به وسیله فعالیت های دیپلوماتیکی.

ب: تغییر مقاومت افغانستان از مبارزهٔ مسلحانه به یک مبارزهٔ صرفاً سیاسی،

در سطح فرماندهی جنرال «مکسیموف» بعد از پنج سال خدمت از فرماندهی قرار گاه «تاشکند» بر طرف و به جای آن جنرال «زیاتسوف» (۱۴ اسد ۱۳۶۴) که قبلاً قوماندانی گارنیزیون قوای شوروی در آلمان شرق را به عهده داشت، بدین مقام نایل آمد.

نیات گورباچوف در ارتباط به جنگ افغانستان از اخطاریه مستقیم او به مرحوم جنرال ضیا الحق، رئیس جمهور پاکستان در مراسم تدفین «چرنینکو» هویدا گردید. وی به تعداد نیروها «Spitsnaz» که ورزیده ترین سربازان شوروی اند، در افغانستان افزود. راکت های ثقیل BM-۲۷ از بهار ۱۳۶۴ توسط قشون شوروی در جنگ افغانستان بکار گرفته شد و پیوسته تسلیحات و تاکتیکهای محاربوی ارتش سرخ ارتقا یافت.

«ریگان» رئیس جمهور امریکا در بهار ۱۳۶۴ یک مقررهٔ امنیت ملی را امضاء نمود، که بنام NCDD۱۶۶ شهرت دارد، و در آن آمده است که پالیسی امریکا مبتنی بر اعطای هر گونه کمک ممکنه به مجاهدین افغانستان است، تا بتوانند قوای شوروی را از خاک خود خارج سازند – که بر اساس همین مقرره ارسال راکتهای «ستنگر» به مجاهدین میسر گردید. و نخستین راکت ستنگر بتاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۶ به یکی از فرماندهان ولایت پکتیا داده شد.

همچنان راکت های نوع BM-۱ و BM-۱۲ ساخت چین در دسترس مجاهدین قرار گرفت.

پیروزی درخشان مجاهدین در سال ۱۳۶۴، انهدام ۲۰ فروند طیاره در فرود گاه شیندند طی یک عمل خرابکارانه بود، همچنان دو بال هلیکوپتر نوع MI-۲۴ توسط پیلوتان افغان در پاکستان فرود آورده شد. از آن مهمتر فتح گارنیزیون «پشغور» در وادی پنجشیر بود، که طی آن تمام افراد قطعه ۴۴۴ کماندو با تجهیزات شان به اسارت مجاهدین در آمدند – و این نخستین تجربه ای بود که در



یکی ازمجاهدان زخم برداشته درجنگ

تصرف گارنیزیون های رژیم کابل، مجاهدین حاصل داشتند. و از آن بعدتر این شیوه در سراسر کشور بخصوص در صفحات شمال توسط احمد شاه مسعود، دنبال گردید.

گورباچوف در سال ۱۳۶۵ طی نطقی جنگ افغانستان را برای شوروی «زخم خونین» خواند، و هیچکس از سران کرملین تا آن زمان در بارهٔ افغانستان چنین صریح حرف نزده بود.

مقارن هفتمین دور مذاکرات ژنیوبتاریخ ۱۴ ثور ۱۳۶۵ داکتر نجیب الله به جای ببرک کارمل در افغانستان در رأس امور قرار گرفت، و این گویای تحول تازه ای در طرز دید رهبران مسکو راجع به افغانستان بود.

پیشکش نمودن سیاست «مصالحه ملی» از سوی نجیب از یکسو گویای بی نتیجه ماندن کوشش های نظامی د رامر سرکوب نهضت مقاومت مردم افغانستان بود، ازجانب دیگر زمینه سازی برای عقب نشینی آبرو مندانه قوای شوروی از افغانستان.

بهار ۱۳۶۵ همزمان بود با حمله قوای شوروی بر پایگاه فرمانده حقانی در «ژوره»، که در آن حمله برای نخستین بار از طیارات Su-۲۵ که بمب را توسط اشعهٔ لیزر هدایت می نماید، کار گرفته شد.

در سال ۱۳۶۵ کمر بند های امنیتی شهر های هرات، قندهار و مزار شریف توسط مجاهدین شکستانده و بیشتر شهر ها محل درگیری قرار گرفت. طوریکه در آن سال ۹۰ فیصد شهر کهنه و ۵۰ فیصد شهر نو هرات در دست مجاهدین بود که در پاسخ بدین امر روسها عملیات تهاجمی سنگینی را در ۲۸ اسد ۱۳۶۵ به هرات آغاز نمودند که در آن سه هزار عراده تانک، لاری نظامی و دوازده هزار افراد سهیم بودند و این جنگ حدود ۶ ماه بطول انجامید.

در شمال افغانستان احمد شاه مسعود گارنیزیون های رژیم کابل را یکی پی دیگری از میان برداشت که شامل گارنیزیون کلفگان و گارنیزیون کران منجان میشد که هر کدام آن دارای ۱۲۰ تا ۱۷۰ نفر بود.

آمادگی برای خروج

۱۳۶۶-۱۳۶۷ هـ ش.

سیاست پروستریکای "گورباچف" رهبر شوروی سابق، با اعلان "مصالحه ملی" در جدی ۱۳۶۵ در افغانستان ظاهر گردید و مسکو که اغلب پیروزی هایش در گرو موفقیت ارتش سرخ است، لذا با عدم پیروزی قوای شوروی در افغانستان ز بقای رژیم مارکسیستی کابل مایوس شده بود، از این رو تحت عنوان "مصالحه ملی" کوشید،تا حکومت ائتلافی باشرکت دوستان کرملین درکابل تشکیل شود، که نشد.

روند مذاکرات غیر مستقیم ژنیو میان پاکستان و رژیم کابل تندتر شده بود، وروس ها برای آن که نشان داده باشند که خروج شان از افغانستان زادهٔ شکست نظامی نیست، قبل از امضای معاهده ژنیو دست به یک تهاجم وسیع و گسترده به "ژوره" زدند.

پایگاه "ژور" چون در نزدیک سرحد پاکستان موقعیت دارد، وخبرنگاران خارجی به راحتی می توانند از آن جا گزارش تهیه دارند، هدف این عملیات تعیین شده بود. در این جنگ چندین هزار تن سرباز شوروی و رژیم کابل شرکت داشتند طی یکماه جنگ صد عراده تانک و زرهپوش توسط مجاهدین تخریب گردید، و به وسیله راکت ستنگر ۴ فروند جت، ۶ هلیکوپتر و ۶ انتونوف سرنگون شد و در مجموع به قول مجاهدین از جانب مجاهدین پنجصد تن شهید و از نیروهای شوروی و رژیم کابل دو هزار تن به هلاکت رسیدند.

بدین ترتیب روس ها که از این حمله می خواستند، استفاده تبلیغاتی نمایند و "گنادی گرسیموف" سخنگوی وزارت خارجه شوروی برای اولین بار راجع به جنگ افغانستان به خصوص عملیات خوست به خبرنگاران معلومات داد، به ضرر روسها پایان یافت.

معاهده ژنیو پیرامون افغانستان به وساطت کوردویز سر انجام بعد از دوازده دور مذاکرات غیر مستقیم به تاریخ ۲۵ حوت ۱۳۶۶ به امضا رسید که طبق آن قوای شوروی ظرف نه ماه سر از ۲۵ ثور ۱۳۶۷ از افغانستان خارج گردیدند.

جهانیان هیجان زده، امضای قرار داد ژنیو را یک پیروزی بزرگ برای افغان ها بعد از یک دهه فدا کاری و تلاش در پی کسب آزادی و استقلال شان می دانستند، اما مجاهدین از آن راضی نبودند – زیرا:

(۱) در مذاکرات ژنیو مجاهدین حصه نداشتند.

(۲) نماینده رژیم دست نشانده کابل در مذاکرات شرکت می ورزید.

(۳) این معاهده به مثابه "بینی خمیری" برای شوروی بود، تا بر اساس آن قوای خویش را آبرومندانه از افغانستان خارج نماید.

(۴) در این معاهده از تجاوز بیشرمانه ارتش سرخ به افغانستان و مصیبت های واردهٔ ناشی از آن چیزی ذکر نشده بود.

(۵) معاهده ژنیو امتیاز این پیروزی را به سازمان ملل می داد و ثمرهٔ تلاش های "کوردویز" می دانست، نه فداکاری ها و مجاهدت های مردم افغانستان.

شوروی به قدری از آینده رژیم کابل پریشان بود، که چند هفته قبل از تکمیل خروج قوای شوروی برای بار اول حاضر به مذاکره با هیأت مجاهدین گردید، که دور اول آن در "طائف" و دور های بعد آن در تهران و اسلام آباد صورت پذیرفت، که جانب شوروی راجع به سر نوشت اینده کمونیستان افغانستان می خواست در مذاکرات بحث شود، ولی از جانب مجاهدین، این امر مداخله در امور افغانستان خوانده شد و رد گردید.

روحیه عساکر شوروی و رژیم کابل با امضا معاهده ژنیو به حدصفر تقرب یافت. سربازان شوروی در بسیاری از موارد به فرماندهان مجاهدین در خواست های کتبی عدم تعرض می فرستادند و طوری که خود در بگرام شاهد بودم با ارسال مقادیری اسلحه ومهمات به مجاهدین باج می دادند، تابالای شان حمله نکنند. وقتی در برج عقرب ۱۳۶۷ مجاهدین بالای یکی از پوسته های متعلق به رژیم کابل درگلبهار حمله بردند، پوسته های مربوط به شوروی ها در جنگ از هر گونه کمک به رژیم کابل ابا ورزیدند و در اخیر هم عساکر اسیر و مواد غنیمتی را مجاهدین توسط لاریهای رژیم کابل از برابر دیده گان سربازان شوروی عبور دادند بدون این که سربازان شوروی عکس العملی نشان داده باشند. خروج عساکر شوروی در ۲۵ دلو ۱۳۶۷ تکمیل گردید، و آخرین دسته از این قوا با بمباردمان وحشیانه سالنگ که در آن حدود ۳۰۰ تن از اهالی منطقه به شهادت رسید، خاک افغانستان را ترک گفتند.

به بهانه ٦ جدی

سید فضل الله قدسی

علم به رنگ شهادت...

میان وحشت شب قلعه در محاصره بود
هراسناکترین جا کنار پنجره بود
سخن رفتن کابوس شب خیالی بود
و دامن سحر از آفتاب خالی بود
سحر نبود که تا لحظهٔ اذان می شد
صدای مأذنه در خامشی نهان می شد
بهار، زود تر از رجعت خزان پژمرد
شگوفه اول شب زیرپای حادثه مرد
گذار آفت پاییز سوی بستان شد
تمام مزرعه مان پایمال توفان شد
کسی که بر تن فطرت طناب دار انداخت
ونخل عاطفه اش را ز برگ و بارانداخت
شبانه بست مسیر عبور فردا را
شکست پنجره های به سمت در یارا
تمام سرو و سپیدار باغ را پی کرد
سپس چموش ستم بر جوانه ها هی کرد
زجنس فاجعه برخویش پیرهن می دوخت
وبر جنازه و جدان خود کفن می دوخت
به دشت های پر از سبزه نیزه کاشته بود
و در مسیر زمان گزمه ها گماشته بود

●●●

زخشم شانهٔ صبرم دگر تکان می خورد
ونو ک دشنه دمادم به استخوان می خورد
کسی به قلب من آخر تب جنون انداخت
سر بریدهٔ روح مرا برون انداخت
پی زدودن ظلمت قرار ننشستیم
به روی شانه شب آفتاب را بستیم
سلاح مردم ما دست های خالی بود
علم به رنگ شهادت چقدر عالی بود
کمر به رشته دستار تنگ می بستیم
تبر به شانه به جای تفنگ می بستیم
به سنگ حادثه صدها به سوی مرگ زدیم
هزار مرتبه سیلی به روی مرگ زدیم
شب رحیل کسی خارج از سپاه نشد
کسی نبود در این ده که مرد راه نشد
بدون واهمه تا پاس شب رکاب زدیم
علم به دامنهٔ کوه آفتاب زدیم
به پای قله فتح و ظفر میان بستیم
از استخوان تن خویش نرد بان بستیم

انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان

درآمدی برظرفیت های داخلی

دانیال هروی

در پی تحولات اخیر در افغانستان و تأمین صلح و امنیت و استقرار حاکمیت ملی، بازسازی این کشور جنگ زده و ویران از جملهٔ دغدغه ها و خواسته های مردم و دولت بوده است، بازسازی در عرصه های گوناگون اقتصادی وسیاسی و اجتماعی و فرهنگی.

اما متأسفانه، موضوعی که در ظرف یک سال اخیر کاملاً مشهود و ملموس بوده است عدم توجه کافی به ظرفیت ها، توانایی ها و قابلیت های بالقوه وبالفعل داخلی برای سهیم شدن در روند بازسازی کشور بوده است که این خود اولاً دولت کنونی افغانستان را از تعیین اولویتها در فرآیند بازسازی کشور ناتوان و ثانیاً از استفاده بایسته و شایسته از ظرفیت های موجود در خود کشور محروم ساخته است.

اما با وجود این، خوشبختانه موارد مثبتی از توجه به ظرفیت های داخلی و تلاش برای استفاده از آن نیز وجود داشته است.

از جمله ظرفیت ها و قابلیت های بالقوه افغانستان، موقعیت استثنایی و منحصر به فرد آن درمسیر ارتباطی بسیاری از کشورهای همسایه است که این مسأله در عرصه اقتصاد و بحث روابط اقتصادی و مخصوصاً اتصال مراکز تولید و بازارهای مصرف دردوسوی شمال وجنوب افغانستان مصداق بیشتری دارد.

از چندین سال به این سو، چگونگی صادرات منابع غنی نفت و گاز آسیای میانه به بازارهای مصرف منطقه از جمله جنوب وجنوب شرق آسیا از جملهء مسایل و مباحث مهم ومطرح از یکسو در میان اکثر کشورهای آسیای میانه به عنوان کشورهای برخوردار از منابع غنی نفت و گاز و مشتاق صادرات و از دیگر سو در میان کشورهای نیازمند گاز و نفت ومشتاق واردات آن بوده است.

اما چگونگی اتصال این مراکز تولید وصدور به بازارهای مصرف و به عبارت دیگر نحوه اتصال مشتاقان صادرات به مشتاقان واردات از جمله موضوعات و مسایل اساسی در اذهان هردو طرف بوده است.

از همان ابتدای مطرح شدن بحث صدور منابع نفت و گاز آسیای میانه به بازارهای جنوب و جنوب شرق آسیا و مخصوصاً انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان، افغانستان به عنوان بهترین و کوتاه ترین و ارزانترین راه اتصال تلقی می شد که متأسفانه به علت بحران حاکم بر کشور و جنگ های داخلی، استفاده از این موقعیت منحصر به فرد افغانستان میسر نشد.

اما پس از تحولات اخیر و استقرار فضای آرامش و امنیت در افغانستان، باردیگر موضوع فوق مطرح و این بار توجه به اعتماد بیشتر به ثبات داخلی در افغانستان، استفاده از مسیر مذکور به عنوان بهترین و منطقی ترین راه اتصال مورد توجه و در نتیجه با جدیت بیشتری دنبال شد تا این که در ماه می سال جاری رؤسای دول افغانستان و پاکستان و ترکمنستان در اسلام آباد روی طرح اولیه پروژه عظیم انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان به توافق رسیدند که بر اساس آن یک کمیته هماهنگی متشکل از وزرای نفت و گاز و معادن سه کشور تشکیل شد که پس از سه نشست، مقدمات کار برای امضای نهایی موافقت نامه فراهم و در نتیجه در روز جمعه ۶ جدی ۱۳۸۱، موافقت نامه نهایی توسط رؤسای دول هر سه کشور در عشق آباد ترکمنستان به امضاء رسید.

اما حال سؤالی که مطرح است، این است که علاوه بر اهمیت استفاده از یکی از ظرفیت های افغانستان در پروژه عظیم فوق، این پروژه چه دستاوردها، امتیازات و منافعی برای افغانستان به دنبال خواهد داشت.

در پاسخ به سوال فوق باید گفت که این پروژه به عنوان بزرگترین طرح سرمایه گذاری در افغانستان در ظرف چند دهه اخیر سالانه حدود ۳۰۰ میلیون دالر به عنوان حق ترانزیت عاید افغانستان می گرداند و علاوه بر آن حدود ۱۲ هزار فرصت شغلی در بخش های دیزاین، ساخت و حفظ و مراقبت ایجاد خواهد شد که این خود آثار مثبت فراوانی در احیاء و رشد اقتصادی کشور خواهد داشت.

علاوه بر این، ایجاد فرصت های شغلی فوق از یک سو باعث جذب بسیاری از متخصصین افغان در بخش های مختلف این پروژه می گردد که خود دستاورد دیگری است در راستای استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های مردم افغانستان ، مسأله ای که جدا از ایجاد فرصت شغلی برای متخصصین مذکور خود فرصتی است استثنایی برای کسب تجربه و آشنایی متخصصین افغان با نحوه کار در پروژه های عظیم ساخت و ساز.

از دیگر سو فرصت های شغلی ایجاد شده برای نیروی کار ساده نیز در امنیت شغلی و در دراز مدت به حفظ و گسترش امنیت در کشور کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر بر خلاف کسانی که معتقدند عدم وجود امنیت و ثبات کافی در افغانستان می تواند به مانعی جدی در راستای تحقق و اجرای پروژه مذکور بدل گردد، اجرای پروژه مذکور و آثار مثبت آن در اقتصاد افغانستان مخصوصاً در ایجاد فرصت های شغلی، خود می تواند از عوامل توسعه و گسترش امنیت در کشور باشد.

از جمله دستاوردها و آثار مثبت دیگر پروژه فوق برای افغانستان، نحوه و چگونگی سرمایه گذاری دراین پروژه است که بر اساس موافقت نامه نهایی قرار است یک کنسرسیوم عظیم تأسیس و از تمامی شرکت ها و بانک های علاقمند دعوت به عمل آید تا در پروژه سهم بگیرند که این مکانیزم می تواند تجربه ای از همکاری و سهم گیری بین المللی را در اجرای پروژه که بخشی از آثار وفوایدش متعلق به افغانستان است ارائه دهد یعنی کشوری که در شرایط کنونی و در فرآیند بازسازی، علاوه برقابلیت ها و توانایی ها و ظرفیت های داخلی نیازمند همکاری و همیاری جامعه بین المللی نیز می باشد.

و بالاخره خود پروژه سه جانبه فوق، صرف نظر از منافع و فواید اقتصادی برای هر سه طرف می تواند به عنوان یک بستر همکاری در سایه همسایگی نیک تلقی گردد، موضوعی که خود می تواند در مناسبات آینده هر سه کشور در عرصه های گوناگون تأثیرات و آثار مثبت فراوانی داشته باشد.

اما در پایان باید گفت که اجرای موفق برنامهء عظیم فوق، منوط به همکاری توأم با اراده و جدیت هرسه طرف خواهد بود

توره ورځ چې . . .

لاړه او د امریکا متحده ایالات د تېري یوازني زبر ځواك شو.

د جهاد په جریان کې جمعیت اسلامي افغانستان لکه څنګه چې له ۱۳۵۷ نه وروسته د فرهنګي مبارزي مخکښ و؛ نو اوس چې هېواد ملي هویت تر کوابښ لاندي شو ، د شرایطو په پام کې نیوو سره یې د وسله والي مبارزي لاره ونیوه او ددې په څنګ کې د مجاهدینو دروزنې لپاره یې حربي ښوونځي او حربي پوهنتون او په لس ګونو د روزني مرکزونه جوړ کړي وو او پر دي سربېره جمعیت اسلامي افغانستان یوازینی جهادي تنظیم و چې د مجاهد په نامه لیسه یې جوړه کړه او د لومړي ځل لپاره یې د ښځو د نهضت د پرمختیا لپاره "امهات المؤمنین" پوهنتون جوړ کړ، چې "له وسله والي مبارزي سره په څنګ کې د فرهنګي اړخ پیاوړتیا ددي سازمان ځانګړنه ده او حتی داسي ولایتي دفتر او جبهه به نه وه چې یوه خپرنۍ به یې نه لرله. په نظامي اړخ کې یې داسي ستر ستر قوماندانان ور وزل ، چې د جهاد د ملاتیر و ، چې ددي ټولو په سر کې د مجاهدینو سردار ، محبوبه څیره او د زړونو په تل کې ناست شهید احمد شاه مسعود و، چې بیا همدغسي قوماندانانو د جهاد په سیاسي بریالي کې ونډه لرله او د ۱۳۷۱ د ثور په اتمه یې د ګوډاګي نظام تخته راوپرځله او اسلامي دولت یې اعلان کړ.

جمعیت اسلامي افغانستان د جهاد په ترڅ کې له افراط او تفریط څخه پیروي نه کوله او همیشه یې د اعتدال لار نیولې وه چې سیمه ییز سیاست یې د افغانستان دملي او اسلامي ګټو په پام کې نیو سره دامعتدل دریڅ د تنظیم په ټولو برخو کې برېښیده ، چې د همدي معقول سیاست له مخې د هېواد په سیاسي او نظامي ډګرنو کې په ډېره ښه توګه له ازموینې راوتلي او لاربنود یې د ملي ولس مشر په توګه په ولس کې ځای لري او حتی داسي مشران ډېر لږ لیدل شوي ، چې له دغسي ځانګړنې برخمن وو. اوس چې له سیاسي پلوه ددي تنظیم د مشر په نوښت په هېواد کې نوي سیاسي فضا منځ ته راغلې توله هڅه یې داده ، چې په ملك کې د ولسواکۍ پر بنسټ نظام پر پښو کلك ودرېږي او په دي پړاو کې جمعیت د هېواد جوړوني او نظام جوړوني د پړاو مخکښ هم دی. په هېواد کې د بیا جوړوني پړاو پیل شوي ، چې په دې ترڅ کې خیني داسي ګومان کوي ، چې له تورو هېوادونو څخه هر اړخیزه کټ مټ پیروي ، دافغانستان د رغاونې لپاره درمل کیداي شي ، دا د له د هغوي په شان دي چې له ۱۳۵۷ نه مخکې شوروي اتحاد چې به هر څه ویل دوي به د طوطي غوندي تکرارول چې پایله یې ټول ته برېنده ده ، دغسي دوي هم به هماغه محتوا خو په بل شکل پیښي کوي ، د جمعیت اسلامي افغانستان مدبر مشر د پخواني شوروي دیرغل دکالیزي په غونډه کې په وضاحت سره دوي خپلو تیروتنو ته متوجه کړل او ښایي چې د مشر تابه دغه عالمانه وینا په ټولنه کې ټولو ته د لارې مثال وي.

موږ دجهاد د ټولو شهیدانو سپیڅلي روح ته دعا کوو او له شهید پال ملت نه غواړو چې د "ملي اګاهي" په رڼا کې چاري څاري چې د جدي د شپږم یرغل ددفع په باب چې کومي سربښندني شوي توپې لاړې نه شي او د یرغل په محتوا خو په بل شکل د نورو ښکیل نه شو.

کار لوله کشی . . .

دولت افغانستان را جلب نماید و کار تمدید این لوله گاز را آغاز کند، اما شرکت امریکایی یونیکال در یک زد و بند پشت پرده با طالبان طبق گزارشهای ن زمان پنجاه ملیون دالر امریکایی را در اختیار آنان قرار داد آن پول طالبان را دراشغال بسیاری ازبخش های کشور به سرعت یاری کرد، وبا دعوت مکرر هیاتهای بلندپایه طالبان به ایالات متحده امریکا می خواستند انحصار آن را د ر اختیار داشته بشند.

حالا به سود مردم افغانستان است که شرایط جهانی به نحوی بی سابقه یی تغییر یافته است. واین کار در فضای دیگر انجام می یابد.

در حال حاضرهزینه این برنامه مهم اقتصادی را با نک توسعهٔ اسیا یی می پردازد و جالب این که موضوع به مزایده گذاشته خواهد شد تا شرکت های علاقه مند شرایط خود را عنوان کنند و در پایان پر منفعت ترین امکان برای مردم افغانستان مورد قبول قرار خواهد گرفت.

علی کوهستانی

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره هشتم دوشنبه ۹ جدی ۱۳۸۱ - ۲۷ شوال المکرم ۱۴۲۳ - ۳۰ December ۲۰۰۲

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

کار لوله کشی گاز ترکمنستان به زودی آغاز می شود

برنامهء معروفی بود که باید به اجرا درمی آمد؛ خط طولانی تمدید لوله های گاز از سر زمین ترکمنستان، با عبور از کشورما راهی بازار های کشور های جنوب شرق آسیا می شود.

این که ترکمنستان از مدت هفت سال بدین سو پیوسته تلاش می ورزید منابع عظیم نفت و گاز خودرا به بازار های جهان عرضه کند، سر انجام با عقد قرار داد رسمی توسط هیأت بلند پایه کشور های ذینفع در موضوع افغانستان و ترکمنستان و پاکستان، صورت عملی اختیار کرد.

به همین منظور اجلاس مهمی با شرکت هیأت بلند پایهء کشور ما به رهبری آقای کرزی و هیأت کشور پاکستان به رهبری آقای میر ظفرالله جمالی صدر اعظم آن کشور و هیأت بلند پایهء دولت ترکمنستان به رهبری آقای سفر مراد نیازوف ، در عشق آباد ترکمنستان ترتیب یافت و رهبران هر سه کشور قرارداد لوله کشی آن را امضا کردند

باامضای این طرح مهم اقتصادی، خط تمدید لوله های گاز از دولت آباد ترکمنستان آغاز و با عبور از مناطقی در غرب کشورما وارد ملتان پاکستان خواهد شد.

این برنامه که در خط طولانی یکهزارو چهارصد کیلو متر امتداد می یابد، و هفت صد پنجاه کیلو متر ان از خاک افغانستان عبور خواهد کرد سالانه به مقدار دوصد وپنجاه ملیون دلار امریکایی برای دولت افغانستان در آمد دارد.

گفتنی است ، بعد از ان که شرکت یونیکال و شرکت بریداس آرژنتینی را از صحنه رقابت در افغانستان برون کرد و راه اندازی این پروژه بزرگ را بر عهده گرفت، این قرارداد جدید عملی ترین و واقعبینانه ترین اقدام عملی دراین زمینه را تشکیل می دهد. لازم است گفته شود که شرکت بریداس هنگام حاکمیت مجاهدین احتمال داشت موافقه

ص۷



از نامه های آمده

Tel : 00873 7616 12514
Fax: 00873 7616 12515

بانک ملی افغان
مدیریت عمومی اسناد وارتباط

Local Tel:
2100310 & 2100311
نمبر ۵۲۳۶
تاریخ ۵ جدی ۱۳۸۱

Your Ref:
Date:

به اداره محترم هفته نامه مجاهد !

با ابراز سلام و تهنیات به تمام دست اندرکاران جریده وزین مجاهد و همه خواننده گان و آقای سمیع الله ، مبارز و مجاهد نستوه ، میخواهم مراتب سپاس و امتنان خویش را از انجام رسالت کارکنان آن جریده که در پخش و انتشار نظریات هموطنان عزیز ایفا مینمایند ابراز نمایم • اما افزون برآن از شما میخواهم قبل از نشرمطالب وارده حد اقل معلوماتی در مورد حاصل و بعد به نشر آن اقدام نمائید تا به اعتبار هفته نامه که اگر کسب نموده باشد لطمهٔ وارد نشود • چنانچه در شماره هفتم یوم دوشنبه دوم جدی سال ۱۳۸۱ تحت کلیشه " ازنامه های وارده " زیر عنوان " هنوزهم مهر امارت اسلامی؟ " مطلبی با آب و تاب زیاد به نشر رسیده و درآن بانک ملی افغان متهم به بی توجهی از مبارزات مقاومان تا نا کجاها شده است • اما اگر بدون خود بینی و خود ستایی ، به دقت ملاحظه و توجه شود بانک ملی افغان منحیث یک بانک تجارتی هیچگاهی نام دولت و امارت و امثالهم را در هیچ زمان و مکانی در مهور مربوطه درج و حک بنموده حتی در زمان زمامداری طالبان ، چه رسد به آن که بعد از آن به چنین کار اقدام ورزد •

قابل توضیح است که محصول برق توسط نمایندگان محترم ریاست محترم برشنا موسسه از طریق شهری خانگه ها ی بانکهای دولت انتقالی اسلامی افغانستان جمع آوری و به حسابات مربوطه انتقال میگردد ، هرگاه ریاست محترم برشنا موسسه نظر به مشکلات و محدودیت هائیکه نظر به شرایط نزد شان موجود بوده نتوانسته باشند مهر یا مهور مربوطه را در بعضی از شعبات تجدید نمایند ، در اینصورت عادلانه نخواهد بود تا از بانک ملی افغان نام برده شود و به نظر ما بهتر این خواهد بود تا قهرمانان عرصه های نبرد و حماسه آفرینان با آن عمق انجام وظیفه که در برابر ملت و مردم خویش احساس مینمایند هرگاه متوجه به کدام کوتاهی و تقصیراتی میگردند موضوع را با مرجع مربوطه درمیان گذاشته ، مشکل عایده را مرفوع و به ادامه حماسه آفرینی های شان ، فداکاری های در زمان صلح نیز از خود به یادگار بمانند •

با احترام

غلام غوث (هروی)
معاون اداری بانک ملی افغان

مجاهد:

با ابراز تشکر از مسؤولان بانک ملی واز مطلب ارسالی شان که آن را عیناً و بدون هیچ نوع تصرفی به نشر سپاریدیم.

در مورد مطلبی که سمیع الله در باره "مهر امارت اسلامی بعد از یک سال سقوط طالبان" طی نامه یی به مجاهد ارسال کرده و آن در شماره قبلی چاپ گردیده بود، باید گفت: در کتابچه برق سمیع الله پس از تحویل پول برق در بانک ملی دو مهر زده اند چنانکه ما دیدیم یکی از بانک ملی و دیگری از نمایندگی وزارت آب و برق است.

چون مرجع تحویل پول بانک ملی بوده، وی آن را گویا به بانک ملی منسوب کرده است که با این دلیل چندان نادرست هم معلوم نمی شود، هر چند سمیع الله در نامه اش نوشته بود: "... کتابچه برق را به بانک ملی بردم که در مهر آن نوشته "امارت اسلامی" هنوز هم جابرجاست." غرض از مهر "امارت اسلامی" است که در کتابچه برق سمیع الله حک شده است آنهم در بانک ملی، حالا فرقی نمی کند که از سوی خود نمایندگی بانک یاد شده باشد و یا از نمایندگی محترم وزارت آب وبرق!! ما فکر می کنیم نیازی به چاپ تصویری از این مهر نباشد چون به یقین تمام کسانی که پول برق خود را در بانک ملی تحویل داده اند حتماً نقش از این مهر معین را به ارمغان دارند!!

شیرافگن "ختک":

له عراق څخه وروسته پاکستان د امریکي دویم هدف دي

د بي.بي.سي. د رپوټ له مخي په تیره اونۍ کې دپاکستان ستر ښارونه د مظاهرو او اعتراضونو صحنه وه چې موخه یې په پاکستان کې د امریکي پوځي هډو د تړلو غوښتنه وه.

شیر افگن ختک چې د خلکو یوي لوي غونډي کې یې خبري کولي؛ دپاکستان خلکو ته یې خبرداري ورکړ چې امریکه د القاعدي او طالبانو په پلمه په سیمه کې دنورو اهدافو په لټه کې دي او غواړي چې د پاکستان مهمي پوځي سیمي ترخپل کنټرول لاندي راولي.

ده زیاته کړه: که امریکه پر عراق یرغل وکړي نو پاکستان به ددوي بل هدف وي، نو دا زمونږ دنده ده چې دپاکستان خلکو او پوځي چارواکوته خبرداري ورکړو چې امریکایان دي سمدستي په پاکستان کې خپلې پوځې اډي وتړي.

دپاکستاني سرچینو له قوله له یو کال نه را په دي خوا د ځلویښتو تنو څخه زیات پوهان او ډاکټران د امریکي دفدرالي پولیسو اف.بي.آي. له خوا نیول شوي دي.



اطلاعیه سفارت کشور عربستان سعودی در کابل:

ویزه حج وعمره برای حجاج افغانی مجانی می باشد

سفارت کشور عربستان سعودی در کابل به اطلاع همه برادران افغانی می رساند که ویزه های حج و عمره برای آنان رایگان است ، حکومت و سفارت کشور عربستان سعودی هیچ گونه مالیات و خاک پولی از حجاج افغانی برای ادای حج و عمره اخذ نمی نماید.

باید یاد آور شد پولی که از طرف وزارت حج و اوقاف اخذ می گردد دربرابر خدمات شرکت های خاصی می باشد، نه برای کشور عربستان سعودی .

سفارت کشورعربستان سعودی- کابل

موسسهء بازسازی و خدماتی کشور به یک کامپیوتر کار نیاز دارد

موسسهء بازسازی و خدماتی کشور به یک کامپیوتر کاز مجرب از خانمها نیاز دارد. پس از گزینش، حقوق خوبی به وی خواهد پرداخت.

علاقه مندان جهت کسب معلومات بیشتر به دفتر بازسازی و خدماتی کشور به این نشانی مراجعت کنند.

شهرنو- عقب سینمای زینب، ساختمان پیشین موسسهء اکبر.